

میرزای شیرازی

میرزای شیرازی در روز پانزدهم جمادی الاولی سال 1230 هجری قمری در شیراز متولد و نام محمد حسن بر او نهاده شد، در دوران طفولیت پدر خویش را از دست داد و دای اش سید حسین معروف به مجد الاشراف عهده دار سرپرستی او گردید.



ولادت :

میرزای شیرازی در روز پانزدهم جمادی الاولی سال 1230 هجری قمری در شیراز متولد و نام محمد حسن بر او نهاده شد، در دوران طفولیت پدر خویش را از دست داد و دای اش سید حسین معروف به مجد الاشراف عهده دار سرپرستی او گردید.

تحصیلات :

میرزا در چهار سالگی شروع به تحصیل نمود پس از دو سال از قرائت و کتابت فارسی فارغ گشت شش سال داشت که به آموزش علوم تجربی پرداخت و در 8 سالگی مقدمات را به پایان برد و توسط دایی اش به نزد بزرگترین خطیب شیراز سپرده شد تا او اهل خطابه و منبر گردد، هوش وی چنان سرشار بود که يك صفحه از کتاب ابواب الجنان قزوینی را که کتابی بس مشکل بود، دو بار می خواند، از حفظ می شد و در دوازده سالگی در درس شرح لمعه شرکت جست، پس از مدتی به توصیه استادش به دارالعلم آن زمان، اصفهان شتافت و در مدرسه صدر، حجره ای گرفت، پس از ده سال تعلیم و تعلم در اصفهان، عزم سفر به عتبات عالیات نمود و در کربلا و نجف از محضر اساتید بزرگ آن زمان بهره های فراوان برد.

اساتید :

میرزا در شیراز از محضر میرزا ابراهیم و در اصفهان از محضر، شیخ محمد تقی صاحب حاشیه بر معالم، و سید محقق، میر سید حسن بید آبادی و در کربلا از درس سید ابراهیم صاحب ضوابط، و در نجف در حوزه های درس صاحب جواهر، و صاحب انوار الفقاهة حاضر شد و پس از فوت صاحب جواهر در درس، شیخ مرتضی انصاری شرکت کرد و کسب علم نمود.

تدریس :

وقتی در فهم حدیث بحث می نمود، بر معتدل ترین راهها و همگون با عرفیات و وجدانیات گام می زد و از باریک بینی های بسیار ریز به دور بود و وقتی در پیچیدگی های مسائل به سخن می نشست، برای فیلسوفان بسیار دقیق هم اعجاب انگیز بود که چگونه مو شکافانه به ریزه کاری های آن مسائل می پردازد در هنگام تدریس کتابی از فقه فقط به مسائل بسیار مشکل آن می پرداخت و از گریز به دیگر بحث ها خود داری می نمود بدین جهت از درس او فقط کسی بهره می گرفت که با بررسی های قبلی در اطراف موضوع فقهی، احاطه به نظرات و دلایل پیدا کرده و تنها حل معضلات و شکافته شدن حقایق امور برایش باقی مانده باشد.

شاگردان :

از میان شاگردان بسیار وی می توان میرزا محمد تقی شیرازی، شیخ فضل الله نوری، شیخ محمد تقی آقا نجفی و را نام برد.

تألیفات :

تألیفات وی عبارتند از:

- 1 - کتابی در طهارت (تا مبحث وضو).
- 2 - رساله ای در رضاع و شیر دادن .
- 3 - کتابی در فقه (از اول مکاسب تا آخر معاملات).
- 4 - رساله ای در اجتماع امر و نهی.
- 5 - خلاصه ای از افاضات شیخ مرتضی انصاری در مباحث اصول.
- 6 - رساله ای در مشتق.

- 7 - حاشیه ای بر نجات العباد.
- 8 - تعلیقه ای بر کتاب معاملات آقا وحید بهبهانی.
- و اما آنچه از فتاوی و تقریرات درس آن فقیه بزرگوار گردآوری شده است.
- 1 - صد مسأله از فتاوی میرزا، توسط شیخ فضل الله نوری .
- 2 - مجموعه ای از فتاوی میرزا به زبان عربی.
- 3 - مباحث درس اصول میرزا، توسط شیخ علی دزدری .
- 4 - مباحث درس اصول، توسط سید محمد اصفهانی.
- 5 - مباحث درس اصول و فقه، توسط ابراهیم دامغانی.
- 6 - مباحث درس اصول، توسط شیخ حسن فرزند محمد مهدی شاه عبدالعظیمی که آن را ذخایر الاصول نامیده است.
- 7 - تقریراتی از درس میرزا نوشته باقر حیدر.
- 8 - ترجمه کتاب معاملات آقا وحید بهبهانی از فارسی به عربی توسط شیخ حسنعلی تهرانی (میرزا بر این کتاب تعلیقاتی دارد).

گفتار بزرگان :

در تعریف و مدح این مرد بزرگوار همین بس که بارها شیخ مرتضی انصاری گفته بود: من درسم را برای سه نفر می گویم : میرزا محمد حسن، میرزا حبیب الله، آقا حسین تهرانی.

امام خمینی (ره) درباره ایشان فرمودند : آن مرحوم (میرزای بزرگ (ره)) که در سامره تنباکو را تحریم کرد، برای اینکه ایران را تقریباً در اسارت گرفته بودند، به واسطه قرار داد تنباکو، و ایشان يك سطر نوشتند که تنباکو حرام است، و حتی بستگان خود آن جائز (ناصر الدین شاه) و حرم سرای آن جائز ترتیب اثر دادند به آن فتوا، و قلیانها را شکستند و در بعضی جاها تنباکوهایی که قیمت آن هم زیاد بود، در میدان آوردند و آتش زدند و شکست دادند آن قرارداد را، و لغو شد قرار داد، و يك چنین چیزی و آنها دیدند که يك روحانی پیرمرد، در کنج دهی از دهات عراق، يك کلمه می نویسد و يك ملت قیام می کند، و قرار دادی که ما بین شاه جائز و انگلیسی ها بوده است، به هم می زند و يك قدرت این طوری دارد او.

خصوصیات اخلاقی :

او از نظر اخلاق و رفتار و مسائل انسانی و معنوی، و در قیام به وظایف شرعی، در غایت کمال و اوج اشتها بود حکایات و نوادر بسیاری از حالات روحی و معنوی او را نقل کرده اند که مجموع این حالات، او را به رتبه ای از مراتب سازندگی رسانده است که به اصطلاح علمای وقت، به او لقب مجدد و احیاگر مذهب را داده اند که در راس هر قرن، يك فرد از میان جمع اخیار و رجال علمی می درخشد و تجدید کننده واحیاگر اصول معارف علمی و عملی مذهب می شود.

از کرامات میرزا نمونه های بسیاری نقل شده است کارهای شگفت انگیزی که جز به خواست و لطف خدا ممکن نیست نقل می کنند: سه مرد از زوار فقیر سامرا کمک مالی طلب کردند میرزا به اولی بیست قران، به دومی پنج قران داد و به سومی هیچ سه نفر ابراز ناراضی و عدم تساوی در اجرای عدالت کردند میرزا گفت تساوی برقرار شده است بر رسوایی خودتان اصرار مکنید اما آنها راضی نشدند و پافشاری کردند میرزا دستور داد آن سه نفر را بازجویی کردند معلوم شد که نفر اول (که به او بیست قران داده بود) در کیسه اش پنج قران داشته، و نفر دوم (که به او پنج قران داده شده بود) در کیسه اش بیست قران داشته، و نفر سوم (که چیزی دریافت نکرده بود) بیست و پنج قران داشته است از اینجا معلوم شد که منظور میرزا از تساوی میان آنها چه بوده است ؟ المؤمنین بنظر بنور الله.

فعالیت :

بعد از اقامت میرزای شیرازی در سامرا امنیت و آسایش زمانی به زوار سایه گسترده و سامرا مرکز مهمی برای تحصیل علم و محل تجمع علمای بزرگ گردید و این امر تا زمان مرگ میرزا هر روز رو به افزایش بود میرزا اقدامات عمرانی بسیاری انجام داد مدرسه هایی برای طلاب بنا نهاد که تا هم اکنون به مدرسه میرزا شهرت دارد احداث پلی بر شط سامرا برای عبور مردم و وسایل، و از دیگر کارهای میرزا در سامرا ساختن دو حمام، یکی مردانه و دیگری زنانه، در حرم عسکریین (علیهم السلام) تزئینات و اصلاحاتی صورت گرفت بازار بزرگی توسط ایشان ساخته شد حسینیه ای جهت برگزاری مراسم عزاداری امام حسین (علیه السلام) به همت ایشان بنا شد برای بسیاری از مجاورین سامرا خانه ساخت فقرا بسیاری از اهل تسنن را انفاق نمود و زندگی آنها را به جریان انداخت.

یکی از نقاط عطف و مهم تاریخ معاصر ایران، تحریم تنباکو است که نقش میرزای شیرازی در این حرکت بزرگ، انکار ناپذیر است که متن حکم این گونه بود : بسم الله الرحمن الرحيم، اليوم استعمال تنباکو و توتون، بای نحو کان، در حکم محاربه باامام زمان صلوات الله و سلامه علیه است حرره الاقل محمد حسن الحسینی.

زعامت و رهبری :

سال 1281، شیخ مرتضی انصاری دار فانی را وداع گفت افاضل شاگردان شیخ گرد آمدند و به گفته میرزای آشتیانی، همگی بر مقدم بودن میرزای شیرازی اتفاق کردند میرزا به سبب تواضع و خاکساری ابتدا از قبول این مهم امتناع می نمود، ولی با استماع سخنان دیگران و حکم ایشان مبنی بر وجوب تصدی این امر از جانب استاد، میرزا قبول نمود.

شیوه میرزا در رسیدگی به امور: از میان اصحابش عده ای را برای مشاوره در امور دینی و عمومی مردم، برگزیده بود تا در شهرها و نواحی اطراف نماینده او باشند و از همین طریق مسائل مهمی چون مسأله تحریم تنباکو، تراج چهارمحال، قضیه یهود همدانیه، گرفتاری شیعیان به دست افغانها، خریدن زمینهای طوس به دست دولت روسیه و امثال اینها رابه بهترین وجه حل و فصل نمود بعضی از همین اصحاب، محل رفع حوائج مؤمنان بودند که میرزا با دریافت کمکهای بدون عوض آنها امور خیریه را در میان برادران مؤمن جاری می ساخت در نهایت تواضع و پنهانی، کمک می نمود اسامی فقرا هر شهر را داشت که توسط وکلایش به ایشان کمک می نمود.

سیرت میرزا در دوران زعامت: در خوش برخوردی و شیرینی گفتار، نمونه نداشت شخص در هنگام جداشدن از میرزا در نهایت شادمانی و رضایت ایشان را ترك می گفت هیچ کس به سعه صدر او نبود حتی بر مستحق، يك کلمه زشت ادا نمی کرد خطاکار را جز به احسان پاداش نمی داد و این همان خلق عظیمی است که از پیامر عظیم الشان اسلام به ارث برده بود.

وفات:

در شب چهارشنبه بیست و چهارم شعبان 1312 هجری قمری، بعد از 82 سال عمر گرانمایه اش را به پرتو افکنی در میان مسلمین و به خصوص شیعیان سپری کرده بود، آن شب بعد از نماز عشا، بر اثر شدت بیماری سل دار فانی را وداع کرد و میرزا وصیت کرده بود که او را در نجف، در محلی که خود قبلا مشخص کرده بودند به خاک بسپارند به همین جهت جسد شریفش را پس از غسل دادن در شط سامرا، به طرف نجف اشرف حرکت دادند در تمام شهرهای سر راه، مردم با گریه و زاری و نوحه خوانی و سینه زنی به پیشواز می آمدند در نزدیکی بغداد، تمام اهالی بغداد (حتی غیر مسلمانان از اهل ذمه) نیز به استقبال آمدند (مشیر رجب پاشا) هم ارتش سلطانی را با هیأتی آراسته به حزن و اندوه، و تفنگهایی سرنگون به استقبال فرستاد در کربلا و نجف طواف داده شد و سپس در آخرین شب شعبان دفن گردید.